

تحلیل تحولات کالبدی خانه‌های گرگان در دوران قاجار*

دکتر بهنام قلیچ خانی**، دکتر ایرج اعتصام***، دکتر سید مصطفی مختاباد امرئی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

مکیده

معماری قاجار بخشی مهم از تاریخ معماری ایران است و این اهمیت به واسطه‌ی شکل‌گیری جریان برجسته‌ی تحول و تغییر در فضای اجتماعی و همچنین در مفهوم کالبد و فضا است. خانه‌های این دوران را نیز می‌توان به لحاظ کمی و کیفی مهم‌ترین دسته از خانه‌های تاریخی ایران به حساب آورد. این پژوهش به تحلیل تحولات کالبدی خانه‌های گرگان در عهد قاجار پرداخته است و در پی آن است که چپستی این تحولات را در فن ساختمان و کیفیات معماری پیگیری نموده و تاثیرپذیری احتمالی تحولات معماری این خانه‌ها را از تحولات بیرونی نمایان ساخته است. روش تحقیق تفسیری تاریخی بوده و به شواهد و مستندات از بناها و خارج از آنها استناد شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که تحولات معماری این خانه‌ها عمدتاً در گرایش به برونگرایی و افزایش ارتباط با محیط رخ داده است و این تحولات با سبک زندگی، فضای اجتماعی و همچنین سلاطین روزگار پیوستگی داشته است.

واژه‌های کلیدی

دوران قاجار، خانه، تحولات کالبدی، گرگان

* این مقاله برگرفته از رساله‌ی دکتری نگارنده با عنوان «رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه‌ی ایرانی در عهد قاجار» به راهنمایی دکتر ایرج اعتصام و مشاوره‌ی دکتر سیدمصطفی مختاباد امرئی است که در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۷ در دانشکده‌ی هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران از آن دفاع شده است.

** دانش آموخته‌ی دکتری معماری، دانشکده‌ی هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (مسئول مکاتبات)
Email: behnamq@yahoo.com

*** استاد پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

Email: irajetessam@yahoo.com
Email: mokhtabm@modares.ac.ir

**** دانشیار دانشکده‌ی هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه

معماری پیگیری نماید و تاثیرپذیری احتمالی تحولات معماری این خانه‌ها را از تحولات بیرونی نمایان ساخته است.

روش تمقیق

به لحاظ روش‌شناسی، از زاویه‌ی راهبردهای تحقیقی که لیندا گروت^۳ و دیوید وانگ دسته‌بندی و معرفی کرده‌اند، این تحقیق «تفسیری تاریخی» است. در این تحقیق جستجوی پدیده‌ای اجتماعی کالبدی در زمینه‌ای پیچیده با جهت‌گیری تبیینی روایتی و کل‌نگر تعریف می‌شود (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۱۳۶). بدنه‌ی اصلی این پژوهش با استناد به منابع و متون چهارگانه‌ی ذیل به همراه مطالعات میدانی شکل گرفته است. این منابع و مستندات عبارتند از: منابع مکتوب، اظهارات ساکنین قدیمی و معماران شهر، تصاویر و عکس‌های قدیمی و اطلاعات به دست آمده از خود بناها.

پیشینه‌ی تمقیق

با نگاهی به مجموعه‌ی اسناد و پژوهش‌های مکتوب در این حوزه به نظر می‌رسد که موضوع خانه و تحولات آن در دوره‌ی قاجار چندان مورد توجه پژوهشگران و معماران عصر حاضر قرار نگرفته و در منابع موجود نیز عمدتاً به بررسی کلی و اجمالی و بعضاً بدون حضور پژوهشگر در فضای خانه و تنها با استناد به نقشه‌ها و تصاویر موجود اکتفا شده‌است.^۴ اگر دامنه‌ی بررسی پیشینه‌ی تحقیق را محدود به خانه‌های قاجاری گرگان شود مشاهده می‌شود که متاسفانه، منابع مطالعاتی چندان در باب این بناها موجود نیست.^۵ اما در دامنه‌ای وسیع‌تر می‌توان به صورت انگشت شمار به پژوهش‌هایی در باب خانه‌های قاجاری ایران برخورد نمود. در این میان «طرح بررسی معماری خانه‌های تاریخی و معاصر به منظور تدوین فرآیند و معیارهای طراحی خانه» که توسط دفتر معماری و طراحی شهری معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی و به پژوهش و تالیف آقای محمدرضا حائری مازندرانی صورت گرفته اشاره نمود. این پژوهش در سال ۱۳۸۸ شمسی تحت عنوان «خانه، فرهنگ، طبیعت» منتشر شده است. خانه‌های تاریخی مورد پژوهش در این طرح همگی مربوط به پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی و بدین ترتیب قاجاری هستند و در این پژوهش، به شیوه‌زندگی و سازمان فضایی و نیز گونه‌شناسی این خانه‌ها در شهرهای کاشان، رشت، کرمان، همدان و شیراز پرداخته شده است.

گرگان در عهد قاجار

شهر استرآباد که از سال ۱۳۱۶ شمسی به گرگان تغییر نام یافت، در منطقه‌ای که سابقه‌ی چند هزار ساله‌ی سکونت دارد واقع شده است.

در بررسی سیر تحول معماری ایران از نخستین نمونه‌ها تا روزگار حاضر، معماری عهد قاجار بخشی مهم و بسیار حائز اهمیت به شمار می‌آید. این اهمیت از آنجا ناشی می‌شود که جریان تحول و تغییر در مفهوم و کالبد فضا که تا پیش از این دوران به صورت بطئی و آهسته در معماری ایران حضور داشته است، در این دوران یکصد و سی ساله^۱ به دلایل و علل مختلف سرعت بسیار یابد. وفور ساخت و ساز بناها و فضاهای شهری نو، تغییر ساختار شهرهای کهن، تحول در برخی ویژگی‌های ابنیه‌ی سنتی، درآمیختن انواع الگوهای معماری اروپایی با الگوهای ایرانی، افزایش سرعت ساخت و ساز ابنیه و در نتیجه پایین آمدن کیفیت اجرا در بناها و نیز تغییر و عموماً تنزل سلیقه‌ی کارفرمایان را به عنوان ویژگی‌های عمومی این دوران برشمرد. تغییر طعم و ذائقه‌ی فرهنگ ایرانیان در اثر آشنایی با دنیایی جدید و در آمیختن فرهنگ اروپایی با داشته‌های ایرانی و اسلامی مردمان این سرزمین، از علل بسیار قوی در رخداد چنین تحولاتی است.

در این دوران اگرچه اهتمام عمده‌ی شاهان و تصمیم‌گیران حکومتی به تغییر سازمان فضایی شهرها، ساخت بناهای عمومی و غالباً حکومتی و نیز احداث بناهای جدید و فاقد سابقه^۲ در تاریخ معماری ایران بوده است، اما در زمینه‌ی معماری خانه‌ها نیز که عموماً توسط کارفرمایانی از مردم عادی جامعه به معماران سفارش داده شده، طیف وسیعی از فضاها و تحولات فضایی و ساختاری وجود داشته است. در نگاهی به معماری خانه‌ها در این دوران، می‌توان حضور الگوهای سنتی و ریشه‌دار معماری ایران را در کنار الگوهای وارداتی از اروپا و عموماً تقلیدی مشاهده کرد (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۱، ۱۱۳).

به لحاظ کمی، تعداد خانه‌های تاریخی ارزشمند و باقی‌مانده در شهر گرگان بسیار کمتر از شهری مانند اصفهان است که در آن حدود ۸۰۰ نمونه خانه‌ی ارزشمند وجود دارد (قاسمی‌سیجانی و معاریان، ۱۳۸۹، ۸۸). در این مورد باید ذکر کرد که در ۱۷ فروردین سال ۱۳۲۳ هجری شمسی، شهر گرفتار زلزله شد و اغلب بناهای آن آسیب دید (ستوده، ۱۳۷۷، ۸۵). وقوع حوادثی از این دست به همراه اقلیم پرباران و مرطوب منطقه و همچنین نوع تعامل مردم شهر با بناهای تاریخی را می‌توان به عنوان علل کم بودن تعداد خانه‌های تاریخی گرگان برشمرد، ولی همین دسته‌ی کوچک از خانه‌ها به لحاظ کیفی، نوعی قابل تامل از معماری مسکونی را نمایش می‌دهند که پرداختن به آنها می‌تواند منجر به افزایش سطح شناخت از خانه‌های تاریخی ایران گردد. این پژوهش به بررسی تحولات کالبدی خانه‌های قاجاری در شهر گرگان می‌پردازد و در پی آن بوده که چستی این تحولات را در فن ساختمان و کیفیات

اما مصالح چوبی برجسته تر می باشند. استحکام و ماندگاری بسیاری از این عناصر چوبی که از گزند آب در امان مانده‌اند و عمر طولانی دارند، حاکی از شناخت معماران این خانه‌ها از چوب‌های مختلف جنگل‌های اطراف است.

معرفی نمونه‌های موردی

با توجه به اقلیم مرطوب و پرباران شهر گرگان و آسیب پذیری زیاد بناها از این شرایط محیطی و همچنین برخی عوامل اجتماعی و تحولات شهری در ادوار پیشین، متأسفانه تعداد چندانی از خانه‌های قاجاری در این شهر باقی نمانده است. همچنین برخی از خانه‌های قاجاری موجود در گرگان تا اندازه‌ای دچار تخریب یا افزودن الحاقات شده‌اند که در عمل، دست یافتن به ساختار فضایی آنها در زمان سلامت بناها تقریباً ناممکن گشته است. در این میان شش خانه‌ی قاجاری که به لحاظ سلامت بنا، امکان پژوهش پیرامون آنها میسر بود انتخاب شده‌اند. همچنین با تقسیم دوران قاجار به سه دوره مطابق جدول ۱، با توجه به اطلاعات به دست آمده از منابع و مستندات تحقیق، دوره‌ی ساخت هر کدام از این بناها مشخص شد (جدول ۲).

جدول ۱. ادوار سلسله‌ی قاجار

نام دوره	هجری قمری	پادشاهان
اول	۱۲۶۴-۱۳۱۰	آقامحمدخان، فتحعلیشاه، محمدشاه
دوم	۱۳۱۳-۱۲۶۴	ناصرالدین شاه
سوم	۱۳۴۴-۱۳۱۳	مظفردالدین شاه، محمدعلی شاه، احمدشاه

جدول ۲. نمونه‌های موردی

ردیف	نام بنا	محل	دوره
۱	امیرلطیفی	پا سرو	دوم
۲	باقری	نعلبندان-سرچشمه	دوم
۳	تقوی	نعلبندان-سرچشمه	دوم و سوم و پهلوی
۴	خراسانی	سرچشمه	اول
۵	شفیعی	سرچشمه	دوم
۶	کبیر	دوشنبه‌ای	سوم

تمولات کالبدی فانه‌ها

در این پژوهش چستی تحولات کالبدی رخ داده در خانه‌های قاجاری گرگان طی مدت یکصد و سی ساله‌ی حکمرانی سلسله‌ی قاجار در دو

پیشینه‌ی تمدن در این منطقه با توجه به کاوش‌های باستان شناسی و منابع تاریخی به بیش از شش هزار سال می‌رسد و در واقع یکی از دیرینه‌ترین ولایات ایران و مرکز عمده‌ی تمدن و فرهنگ در شمال ایران بوده (قائمی، ۱۳۸۷، ۷) و استرآباد در ادوار مختلف تاریخی، حیات خود را به عنوان سکونتگاهی مهم در این منطقه حفظ نموده است. دوران حکومت قاجاریه، در تاریخ این شهر دورانی ویژه به حساب می‌آید و در واقع استرآباد را باید مهد خاندان قاجار دانست. عده‌ای از مورخین معتقدند که آقامحمدخان قاجار بنیان‌گذار این سلسله، در محله‌ی میدان استرآباد متولد شده است (معطوفی، ۱۳۷۴، ۲۴۷). نگاهی گذرا به استرآباد در دوران قاجار نشان می‌دهد که آبادانی و رونق این شهر در عین وابستگی به موقعیت طبیعی ارزشمند و نیز قرار گرفتن در مسیر راه تجاری مهم ابریشم، تا حد زیادی وابسته به تمایلات سیاسی در میان شاهان قاجار و سیاست خارجی آنان در ارتباط با روسیه بوده است (Qelichkhani, 2012, 17). به لحاظ کالبدی در زمان قاجاریه اهتمام فراوانی به ساخت بناهای حکومتی یا عمران بناهای موجود صورت گرفت، از جمله تعمیر کاخ‌های صفوی و اضافه کردن چند امارت در زمان آقامحمدخان که منجر به معروف شدن این مجموعه به نام کاخ آقامحمدخانی شد (معطوفی، ۱۳۷۴، ۲۵۱).

معرفی عمومی معماری فانه‌های قاجاری گرگان

خانه‌های قاجاری گرگان به لحاظ ویژگی‌های معماری برخوردار از نوعی درونگرایی و برونگرایی همزمان هستند. در این ترکیب که به واسطه‌ی «سبک زندگی» مردمان این شهر و نیز «اقلیم معتدل و مرطوب» منطقه شکل گرفته، برای پاسخگویی به این موضوعات، فضاهایی کارآمد تدارک دیده شده است. ارتباط زیاد فضاهای بسته با فضاهای سرپوشیده و باز از طریق بازشوها متعدد، میل به ارتباط فضایی با معابر اطراف خانه از طریق بازشوها و بعضاً ایوان‌ها، نقش برجسته‌ی عنصر ایوان در ترکیب فضاهای داخلی و نیز به دوش کشیدن بخش مهمی از فعالیت‌های روزمره و کمرنگ بودن کلی عنصر هندسه در نگاهی کلان به معماری از ویژگی‌های کالبدی این خانه‌ها هستند. در نگاهی اقلیمی به معماری این خانه‌ها می‌توان فراوانی عنصر چوب به عنوان مصالحی با ظرفیت حرارتی پایین، ایجاد امکان گردش هوا و کوران باد از طریق بازشوها متعدد و طرح بام‌های سفالپوش و پیش‌آمده به همراه ارتفاع گرفتن کف فضاهای طبقه‌ی پایین این بناها از سطح طبیعی زمین را می‌توان ترفندهایی مناسب جهت مقابله با اثرات مخرب اقلیم پرباران و مرطوب منطقه به شمار آورد.

مصالح به کار رفته در این خانه‌ها متنوع‌اند و چوب، سفال، آجر، خشت، کاهگل، سنگ، گچ و شیشه عمده‌ی این مصالح را تشکیل می‌دهند،

بخش فن ساختمان و ویژگی‌های معماری بررسی و تحلیل شده است.



شکل ۱. دورنمای خانه‌ی تقوی از درون خانه‌ی باقری

تحوّلات در فن ساختمان

فن ساختمان و موضوعات زیرمجموعه‌ی آن، زمینی‌ترین و مادی‌ترین عناصر پیکره‌ی معماری است که ارتباط مستقیمی میان آنها با توانایی‌های فنی غالب و رایج در هر روزگار وجود دارد. البته نباید این نکته را از نظر پنهان داشت که همین پدیده‌ی مادی و زمینی، زمینه ایجاد و تعریف انواع متفاوتی از شخصیت و کیفیت معماری در سرزمین‌های مختلف شده است. در اینجا به تحولات فن ساختمان در خانه‌های قاجاری گرگان تحت عناوین مصالح ساختمانی و روش‌های ساخت پرداخته شده است.

مصالح ساختمانی: نگاهی کلی به خانه‌های سنتی در ایران نشان می‌دهد که کالبد این خانه‌ها، عموماً از مصالحی ساخته می‌شود که در محیط اطراف خانه در دسترس است و در خانه‌های قاجاری گرگان نیز کم و بیش چنین شیوه ساختی مشاهده می‌گردد. نگاهی موردی به هر کدام از مصالح رایج، بیانگر آن است:

خشت خام: در هیچ کدام از خانه‌ها، از خشت خام به صورت آشکار و بی‌محافظ در برابر بارش و عوامل جوی استفاده نشده است. برخی دیوارهای جداکننده‌ی داخلی تماماً از خشت خام ساخته و اندودی از کاهگل و سپس گچ، روی آنها را پوشانده شده است. خانه‌های باقری گرگان و تقوی از این نمونه هستند. نگاهی تاریخی به استفاده از خشت این نتیجه را نمایان می‌سازد که سیر تحول ویژه و تعریف شده‌ای در استفاده از این مصالح به چشم نمی‌آید.

آجر: معمار سنتی از میان مصالح ساختمانی، از آجر بیش از هر ماده‌ی

دیگری استفاده می‌کند. او آگاهانه و با مشاهده‌ی تمامی جوانب امر، آجر را به عنوان ماده‌ی اصلی بر می‌گزیده و تقریباً در تمامی دوران تاریخ این معماری، بر این تصمیم پا بر جا می‌ماند (حاجی قاسمی و نوایی، ۱۳۹۰، ۱۵۰) و خانه‌های قاجاری گرگان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در میان تمامی نمونه‌های انتخابی، آجر حضوری پررنگ و تعیین کننده دارد و غالباً مصالح اصلی شکل دهنده‌ی ساختمان است و بار اصلی ساختار سازه‌ای ساختمان را متحمل می‌شوند آن چه درباره‌ی استفاده آجر در معماری خانه‌های قاجاری قابل مشاهده است این است که در خانه‌های مربوط به دوره‌ی اول و دوم، عموماً تمایل معماران به نمایش عریان آجر در بنا چندان زیاد نبوده و غالب دیوارهای بیرونی و درونی بنا، با اندوذهای مختلف پوشانده شده است، اما با رسیدن به دوره‌ی سوم و در واقع از نیمه‌ی دوران ناصری به بعد، این تمایل تقویت گشته و در اکثر بناهای این دوره، دیوارهایی با نمای آجری و بندکشی‌های سفید مشاهده می‌شود. همچنین آجر، به عنوان مصالح پوشش نهایی کف فضاهای بسته، سرپوشیده (در طبقات پایین) یا باز در تمامی نمونه‌ها حضور دارد. از این میان، آجرهایی که برای پوشش فضاهای باز خانه مانند حیاطها استفاده شده است، دارای کیفیت و پختی متفاوت با آجرهای استفاده شده در کف فضاهای سرپوشیده و بسته هستند تا مقاومت بیشتری در برابر سایش و رطوبت داشته باشند. نقش دیگر آجر در خانه‌های قاجاری، استفاده از آن به عنوان یک عنصر تزئینی است. در میان نمونه‌ها در خانه‌ی تقوی و خراسانی و باقری می‌توان این کاربرد از آجر را دید. بدین ترتیب مشاهده می‌گردد که در گرگان، آجر در شکل دادن به کالبد بنا هم‌آورد چوب و سفال است و نکته‌ی قابل ذکر دیگر این است که استفاده از آجر هر چه به دوره‌های میانی و انتهایی قاجار نزدیک می‌شود بیشتر گشته است.

سنگ: بیشترین کاربرد سنگ در این خانه‌ها، استفاده از آن برای ساخت ازاره‌های سنگی در حیاطها، لبه‌های حوض و باغچه، پله و کف‌سازی یا سنگ‌نگاره‌های دیواری برای تزئین بنا بوده که البته مورد اخیر تنها در خانه‌ی شفیع دیده می‌شود. همچنین نوعی سنگ رودخانه‌ای برای ساخت شالوده‌ی بنا استفاده گشته است. کمیت اندک حضور سنگ در خانه‌های قاجاری گرگان می‌تواند تا حدی معلول محدودیت منابع آن باشد و تحول خاصی در استفاده از آن مشهود نیست.

چوب: چوب مصالحی رایج و پرکاربرد در خانه‌های قاجاری گرگان است و در کنار آجر، ساختار اصلی این بناها را چوب تشکیل داده است. در خانه‌های هر سه دوره‌ی گرگان این امر کاملاً مشهود است و عناصر ریز و درشت بسیاری در این خانه‌ها، از ستون و تیرهای اصلی (نعل) و فرعی (پلور) گرفته تا در و پنجره و نرده و تزئینات، چوبی هستند.

چوبی به کار رفته است و هیچ نمونه‌ای از استفاده‌ی سازه‌ای برای مصالح فلزی مشاهده نمی‌گردد. بدین ترتیب مصالح فلزی در خانه‌های قاجاری گرگان، به ندرت استفاده می‌شده است.

شیشه: پنجره‌های چوبی و شیشه‌ای، عناصری برجسته در معماری خانه‌های قاجاری گرگان به حساب می‌آیند. حضور و ابعاد این عناصر هرچه به ادوار پایانی عهد قاجار نزدیک شده، با توجه به میل معماران قاجاری به گشایش و سبکی فضا، افزایش یافته است. شیشه که غالباً در ترکیبی از رنگ‌های مختلف در این پنجره‌ها حضور می‌یابد، در تمامی نمونه‌ها دیده می‌شود و بخش مهمی از رنگ موجود در معماری این خانه‌ها، از طریق همین شیشه‌ها تامین می‌گردد. نکته‌ی قابل ذکر این است که میزان کاربرد شیشه در خانه‌های پایانی عهد قاجار نسبت به دوره‌های پیشین بیشتر است و بدین ترتیب میزان شفافیت^۸، نور و سبکی فضا در این خانه‌ها با حرکت به سمت ادوار انتهایی، افزایش می‌یابد.

سفال: این مصالح ساختمانی که مستقیماً در ارتباط با اقلیم پرباران شکل گرفته است، در تمام خانه‌های قاجاری گرگان به چشم می‌خورد و در تمامی ادوار، استفاده شده است. در زمینه‌ی استفاده از این مصالح در خانه‌های قاجاری، تحول و تغییری مشاهده نمی‌گردد.

مالات‌ها و اندودها: گل، کاهگل، سیمگل، گچ، آهک، گل آهک و ساروج رایج‌ترین ملات‌ها و اندودهای به کار رفته در این خانه‌ها هستند. کاربرد ملات‌های با پایه‌ی آهک مانند گل آهک و ساروج، با توجه به سازگاری و مقاومت بیشتر آنها با رطوبت، بیشتر مشاهده می‌گردد و سیمگل نیز تقریباً چنین وضعی دارد. باقی موارد در تمامی نمونه‌ها دیده شده و تحول خاصی در حضور یا عدم حضور آنها در ساختمان به چشم نمی‌خورد.

روش‌های سافت

روش ساخت یک بنا، اگرچه که موضوعی کاملاً ساختمانی است، اما تاثیر مهمی بر کیفیات معماری بنا دارد. در خانه‌های قاجاری گرگان، دو روش ساخت متفاوت و رایج به وجود داشته است. هردو روش مزبور پیش از عهد قاجار نیز در ساخت ابنیه‌ی مختلف وجود و حضور داشته‌اند و در واقع می‌توان با نگاهی کلی به شیوه‌ی ساخت این بناها به عنوان نمایندگان ابنیه‌ی مسکونی دوران قاجار، چنین ادعان داشت که در این دوره روش ساخت نوینی به روش‌های پیشین اضافه نگردیده است.

روش اول استفاده از سقف تیرپوش و دیوارهای باربر است که در سقف میانی تمام بناهای انتخابی مشاهده می‌گردد. روش دوم استفاده از دیوارهای باربر و سقف خرابایی است که سقف نهایی تمام نمونه‌های موردی در گرگان، از جنس سقف شیبدار سفالپوش با سازه‌ی خرابایی

در خانه‌های قاجاری موضوع پژوهش، چوب در دو نقش عمده ظاهر می‌گردد: نقش اول نقش سازه‌ای چوب در این خانه‌ها است و هر دو خاصیت مقاومت فشاری و مقاومت کششی این عنصر، مورد توجه و استفاده معماران قرار گرفته است. اما نقش دوم که بیشتر نقشی غیرسازه‌ای است و تمامی درها و پنجره‌ها و درگاه‌ها و نیز اکثر نرده‌ها و کف‌سازی‌های طبقه‌ی بالا در نمونه‌های انتخابی چوبی هستند. تنوع قابل توجهی در فرم و ابعاد و نحوه‌ی گشایش درها و پنجره‌های چوبی در این خانه‌ها مشاهده می‌گردد و در تمامی دوره‌های معرفی شده، چوب بدین منظورها کاربرد قابل توجهی داشته است. همچنین پله‌های چوبی بعضاً بخشی از ارتباطات عمودی لازم در ساختمان را پوشش داده اند.

نگاهی کلی به حضور عنصر چوب در خانه‌های قاجاری مورد پژوهش، این نتیجه را می‌رساند که استفاده از چوب در نقش‌های غیر سازه‌ای، فارغ از دوره‌ی تاریخی خانه‌ها، کاملاً رواج داشته است و تنها فرم و ابعاد عناصری نظیر پنجره و در، در این ادوار دستخوش تغییر شده است. اما در نگاه به حضور چوب به عنوان عنصری سازه‌ای، چنین دریافت می‌شود که در تمامی ادوار، چوب عنصر اصلی در شکل‌گیری سازه‌ی ساختمان‌ها بوده است. نکته‌ی قابل ذکر دیگر درباره‌ی کاربرد چوب این است که در گرگان، استفاده از چوب‌های خارجی در میانه و اواخر سلسله‌ی قاجار رواج یافته است. مطالعات انجام شده^۹ نشان می‌دهد که در برخی از خانه‌های قاجاری مانند باقری و تقوی، چوب‌های روسی که با کشتی از طریق بندرگز وارد می‌شدند به کار رفته است.



شکل ۲. کاربرد وسیع چوب در خانه‌ی باقری

مصالح فلزی: استفاده از مصالح فلزی در تمامی نمونه‌ها، استفاده‌ای محدود و فرعی بوده است. فلزاتی مانند برنج، آهن و فولاد غالباً در این بناها برای ساخت یراق آلات درها و پنجره‌ها و میخ و اتصالات عناصر

❏ جریان زندگی در فضاهای باز، سرپوشیده و بسته

نمونه‌های انتخابی، آشکار می‌سازد که بسیاری از فعالیت‌های زندگی، مانند حرکت، مکث، نشستن، استراحت، غذا خوردن، خوابیدن، پذیرایی از میهمان، خلوت کردن و برپایی برخی آداب و آئین‌ها، به همان قوت و قدرتی که در فضاهای بسته‌ی خانه بوده، در فضاهای سرپوشیده و باز در مواقع مختلفی از سال نیز اتفاق می‌افتاده و چه بسا فعالیت‌هایی بیش از اینها مانند رفتن به محضر طبیعت، اختصاص به فضاهای سرپوشیده و به ویژه باز داشته است.

در نگاهی کلی می‌توان گفت با تمایل معماران از درونگرایی به برونگرایی آن هم بیشتر به سمت معابر اطراف بنا، از اهمیت فضای باز در این خانه‌ها به تدریج کاسته شده است. در خانه‌های گرگان به دلیل قرار گرفتن در اقلیم مرطوب، در تمامی ادوار فضاهای سرپوشیده‌ی مفصل و البته ساده و تقریباً بدون تزئین دیده می‌شود. در این شهر تغییر قابل توجهی در کمیت و کیفیت این فضاهای سرپوشیده در طول دوره‌ی قاجار مشاهده نمی‌گردد.



شکل ۴. فضای سرپوشیده در خانه‌ی باقری

❏ حریم و سلسله مراتب حرکتی از بیرون به درون

در کالبد خانه‌های ایرانی مفهوم «حریم» جایگاه ویژه‌ای دارد و درجات مختلفی از حریم و قلمرو، برای سازگاری بنا با جهان‌بینی و

است. در خانه‌های قاجاری گرگان این شیوه‌ی ساخت در هر سه دوره‌ی تعریف شده دیده شده و حتی روش‌های اجرای آن نیز در این دوران تفاوت قابل توجهی پیدا نکرده است.

❏ تحولات در ویژگی‌های معماری

در یک نگاه کلی و در مقایسه‌ی میان خانه‌های انتهای دوران قاجار با خانه‌های ابتدای همین دوران، مشابهت‌ها و حتی یکسانی‌های قابل توجهی به چشم می‌خورد. در اینجا به موارد عمده و قابل ذکر از کیفیات معماری و تحولات کالبدی آنها اشاره شده است.

❏ درونگرایی و برونگرایی و کیفیت استقرار در بسته

برای بررسی تحولات مربوط به درونگرایی و برونگرایی و با توجه به رواج سنت درونگرایی در ساخت خانه‌های ایرانی، می‌توان بر اساس سه ویژگی یعنی «نشستن فضای باز در میان فضاهای سرپوشیده و بسته»، «جانمایی بیشتر بازشوها به سمت حیاط» و «حضور تزئینات در درون بنا و نبود یا کمبود آن در جداره‌های خارجی» به بررسی درونگرا بودن یا نبودن خانه‌های مورد نظر و سیر تحول تاریخی آن پرداخته شود. برونگرایی موجود در خانه‌های قاجاری گرگان در واقع حاصل نوع فرهنگ و روابط اجتماعی مردم منطقه و نیز الزامات محیطی و اقلیمی است و در ارتباطات برجسته‌ی فضاهای داخلی با معابر اطراف از طریق بازشوهای متعدد و نیز فضاهای سرپوشیده‌ی رو به معبر قابل مشاهده است. نگاهی به نمونه‌های مورد پژوهش نشان داده که میل به برونگرایی در خانه‌های دوره‌ی دوم و سوم افزایش یافته است برای مثال در خانه‌ی تقوی، قسمتی از بنا کاملاً با الگوی کوشک و در میان فضای باز ساخته که همین اتفاق در خانه‌ی کبیر از دوره‌ی سوم نیز مشاهده می‌گردد.



شکل ۳. بازشوهای رو به معبر در خانه‌ی تقوی

پایین است. نگاهی کلی به فضاهای بیرونی و اندرونی در مجموع نمونه‌ها حاکی از میل به کمرنگ‌تر شدن این تفکیک در میانه و انتهای دوره‌ی قاجار و همچنین گرایش به تفکیک ارتفاعی بیشتر از تفکیک سطحی است.

پردافتن به طبیعت

برخورداری فراوان شهر گرگان از عناصر طبیعت یعنی آب و گیاه، منجر به بی توجهی یا بی نیازی مردم نسبت به طبیعت در درون خانه‌ها نشده است. حضور پررنگ طبیعت اگر چه در حضور یا عدم حضور عناصری مانند تزئینات تاثیرگذار است، اما در همین شهر نیز حیاط خانه‌ها پر از گیاه و آب است. در بسیاری از موارد حضور این عناصر در خانه‌ها بر اساس هندسه‌ای مشخص نیست و بعضا در مواردی مانند خانه‌ی باقری به صورت نامنظم در حیاط پراکنده شده‌اند. این مورد نیز از مواردی است که تحول ویژه‌ای در میان خانه‌های قاجاری ادوار مختلف در آن مشاهده نمی‌گردد.

هندسه

در الگوی سنتی خانه‌ی ایرانی به ویژه در مناطق مرکزی فلات ایران، کالبد خانه به لحاظ شکلی از یک نظم درونی و آشکار و از پیش‌اندیشیده برخوردار است. این نظم درونی که به آن «هندسه» لقب داده اند در نگاه به کلیت کالبد یک خانه چندان پررنگ نیست اما در نگاه به زیر مجموعه‌های کالبد معماری مانند حیاط، نما، اتاق، سقف، در و زرده و حتی تزئینات به شکلی آشکار خودنمایی می‌کند. این هندسه از طریق «انتظام مرکزی»، «تقارن»، «تکرار» و «محورهای متقاطع» در سراسر کالبد خانه جاری و ساری می‌گردد و وجود نوعی تناسب عددی در معماری خانه نیز به واقع محصول همین هندسه است. اما هندسه در خانه‌های قاجاری گرگان حضوری کمرنگ دارد. اکثر حیاط‌های موجود در این خانه‌ها فاقد انتظام هندسی و تقارن در سطح هستند و تنها در نمای تک جبهه‌های حیاط نشانه‌هایی از هندسه به چشم می‌خورد. همچنین وجود ریز فضاهای هندسی در این خانه‌ها مانند اتاق‌ها، به نسبت آنچه در شهرهای دیگر به‌ویژه شهرهای کویری مشاهده می‌گردد کمتر است. موضوع دیگری که بر کمرنگ بودن هندسه در خانه‌های گرگان تاثیر می‌گذارد، کمی تزئینات در این خانه‌ها است زیرا بخش مهمی از نمود حضور هندسه در معماری مربوط به تزئینات است و با نبود یا کمی تزئینات، نقش کلی هندسه در شکل‌گیری کالبد بنا کمرنگ می‌شود. نکته‌ی قابل ذکر در این مورد این است که در خانه‌ی کبیر و بخشی از خانه‌ی تقوی که در اواخر دوره‌ی قاجار ساخته شده‌اند، پلان و جزئیات نما کم و بیش دارای هندسه‌ی برجسته‌تری نسبت به

سبک زندگی ساکنان تدارک دیده شده است. وجود «سلسله مراتب فضایی» حساب شده برای ارتباط حرکتی و بصری از بیرون به درون یکی از نمودهای اهمیت حریم در خانه‌ی ایرانی است. تقسیم فضای درون خانه به فضای مخصوص خانواده یا «اندرونی» و فضای عمومی یا «بیرونی» و همچنین نبود یا کمبود «ارتباط بصری» از فضاهای درونی از طریق بازشوها به معبر بیرون خانه، نمودهای دیگر این اصل هستند که البته بیشتر در خانه‌های مناطق مرکزی ایران دیده می‌شوند. میزان درجه‌ی درونگرایی و برونگرایی در این بناها ارتباط مستقیم با کیفیت حریم مختلف در آنها دارد، بدین معنی که هرچه میل به سمت درونگرایی بیشتر باشد حریم‌های موجود قوی‌تر و سخت‌گیرانه‌تر تعریف می‌گردند. همچنین دو موضوع با اهمیت در بحث حریم مطرح است: موضوع اول مساله‌ی ورودی‌ها و سلسله مراتب دسترسی و موضوع دوم مساله‌ی حریم درونی خانه‌ها یا همان تفکیک فضا به «اندرونی» و «بیرونی» است. ورودی‌ها در تعیین نحوه‌ی ارتباط بیرون و درون، سلسله مراتب دسترسی و به تبع آن پر رنگ یا کم رنگ بودن حریم، عناصری تاثیرگذار هستند. درباره‌ی ورودی در خانه‌های قاجاری گرگان باید به این نکته اشاره کرد که در هیچ کدام از این خانه‌ها از جمله دو خانه‌ی تقوی و باقری که جمعا ۱۰ ورودی دارند، ورودی‌ها پیچیده و مفصل نیستند. از ورودی‌هایی که مستقیما به حیاط اصلی خانه باز می‌شوند تا ورودی‌هایی که به یک حیاط واسطه و کوچک می‌رسند و همچنین نوع سوم ورودی که در بقیه‌ی خانه هم وجود دارد، یعنی ترکیب سردر و در و دالان، در این میان دیده می‌شود. نکته‌ی دیگر این که وجود این ورودی‌ها در بناهای مختلف این شهر در ادوار مختلف قاجار نشانگر عدم تحول تاریخی این فضاها است و با توجه به ترکیب برونگرایی و درونگرایی در خانه‌های این شهر، ورودی‌ها نیز به هیچ‌وجه سخت‌گیرانه و مفصل و پیچیده نیستند. تقسیم فضای درون خانه به فضای مخصوص خانواده یا «اندرونی» و فضای عمومی یا «بیرونی»، موضوع دیگری است که در مبحث حریم مطرح می‌گردد. این نوع از تفکیک فضا کم و بیش در اکثر نمونه‌های انتخابی به چشم می‌خورد اما شدت و ضعف آن و نیز الگوی تفکیک متنوع و گوناگون است. تقسیم فضاهای خانه به اندرونی و بیرونی غالبا هم در سطح و هم در ارتفاع اتفاق می‌افتد. تفکیک در سطح در خانه‌های بزرگ و دارای بیش از یک حیاط مانند تقوی و باقری، عموما روشی غالب و رایج است. در این روش دست‌کم یک حیاط برای هر کدام از این بخش‌ها نقش محوری بازی می‌کند و فضاهای مرتبط با آن بخش در حاشیه‌ی آن قرار می‌گیرند. تفکیک در ارتفاع از طریق قرار دادن فضاهای مربوط به خانواده در طبقات فوقانی و فضاهای عمومی یا بیرونی در طبقه‌ی

بناهای ابتدایی و میانی قاجار هستند.

تزیینات وابسته به معماری

تزیینات وابسته به معماری نقشی بسیار مهم در آفرینش فضا و انتقال خواسته‌های معماران به مخاطبان دارد. در خانه‌های قاجاری گرگان، تزیینات وابسته به معماری چندان حضور پررنگی ندارند و عمده‌ی تزیینات موجود در این خانه‌ها مربوط به بازشوها، نرده‌ها و برخی عناصر چوبی زیر طره‌ی سقف‌ها است. تقریباً جداره، سقف و کف تمام اتاق‌ها در نمونه‌های موردی ساده و صاف و بدون تزیین هستند. همچنین نوعی از خطاطی و نقاشی روی چوب در خانه‌های دوره‌ی اول و دوم گرگان نظیر خانه‌های خراسانی و شفییعی و تقوی دیده می‌شود که نگارش اشعار، آیات قرآن و تزیین آنها موضوع این تزیینات است. شیشه‌های رنگی در قسمت بالایی بازشوها و در نقشی هندسی یا گیاهی به چشم می‌آیند و نرده‌های چوبی و حفاظ‌های بازشو در طبقات بالا غالباً دارای تزیینات و نقوشی ساده هستند. در این شهر می‌توان مشاهده کرد که تحول قابل لمسی در میزان و الگوی تزیینات در طول ادوار قاجار رخ نداده و کم و بیش مختصات تزیینی این بناها مانند هم است. درباره‌ی علل و دلایل این نوع از حضور تزیینات در خانه‌های قاجاری گرگان می‌توان اشاره کرد که به دلیل آب و هوای مرطوب و شرجی این شهر، اصولاً بخش مهمی از زندگی در فضای باز و خارج از خانه اتفاق می‌افتد و نقش فضای باز و سرپوشیده در بسیاری از موارد در به دوش کشیدن بار زندگی از فضای بسته پررنگ‌تر است. همچنین وجود طبیعتی بسیار غنی و زیبا و چشم‌نواز در بیرون خانه است که شاید ایجاد عناصر تزیینی که بخش مهمی از آن، الگو گرفته شده از همین طبیعت است را بدون توجیه می‌کند. درباره‌ی تحول حضور تزیینات در این خانه‌ها شاید تنها مورد قابل اشاره کاسته شدن از نقاشی‌ها و خطاطی‌های زیر طره‌ی بام‌ها در میانه و انتهای دوران قاجار است. بر خلاف تحولاتی که در تزیینات وابسته به معماری در خانه‌های مناطق مرکزی ایران رخ می‌دهد، در تزیینات خانه‌های گرگان نشانه‌ای از تصویر کردن انسان و جانوران یا اشیاء، وسایل زندگی و همچنین تصویرگری روایات یا حماسه‌ها و نیز حضور رنگ‌های جدید مشاهده نمی‌گردد.

تناسبات

در موضوع تناسبات عددی در معماری ایران، متأسفانه روش شناخته شده و قابل تعریفی برای شناخت و تحلیل تناسبات احتمالی موجود در آثار معماری تاریخی ایران یافت نمی‌شود و در بسیاری از اظهار نظرها، تنها می‌توان اشاراتی حسی و مبتنی بر سلیقه و دریافت یک

فرد از تناسبات را به دست آورد. تعبیری مانند تناسبات زیبا، هنرمندانه، خلاقانه و سنجیده، عباراتی هستند که فاقد ارزش آکادمیک می‌باشند و قابل تحلیل و بررسی و سپس نقد نیستند، چون کاملاً بر اساس احساس و دریافت و سلیقه‌ی گوینده بیان شده‌اند و ممکن است با سلیقه‌ی فرد دیگری تغییر کنند. بررسی کالبد خانه‌های قاجاری گرگان این نتیجه شده که تناسبات عددی ثابت و پرتکراری در این خانه‌های قاجاری مشاهده نگردید و بنابراین، تفاوت‌های بسیاری را که میان این تناسبات در یک دوره و همچنین در مقایسه با دوره‌ای دیگر مشاهده می‌گردد، نمی‌توان به حساب سیر تحولی خاص گذاشت.



شکل ۵. تزیینات نقاشی و خط روی عناصر چوبی در خانه‌ی خراسانی

اشکال

اشکال مورد استفاده در معماری خانه‌های ایرانی غالباً ساده هستند و به صورت کامل در بنا حضور پیدا می‌کنند. غالباً بزرگترین و اصلی‌ترین شکل موجود در این خانه‌ها، شکل حیاط یا حیاط‌های بنا است که در اکثر موارد یک مستطیل کامل است که در نظم بخشیدن و برقراری قواعد هندسه در بنا نقش مهمی ایفا می‌کند، اما خانه‌های گرگان در این مورد استثنا هستند به طوری که شکل مستطیل در حیاط‌های این خانه‌ها الزاماً شکل غالب نیست و در موردی مانند خانه‌ی باقری، از هفت حیاط کوچک و بزرگ بنا حتی یکی هم مستطیل کامل نیست و بناها با آزادی و بدون درگیر شدن با زاویه‌ی قائمه در کنار هم نشسته‌اند. البته مواردی مانند خانه‌های امیرلطیفی و کبیر هم وجود دارد که در حیاط از شکل مستطیل کامل تبعیت شده و نکته‌ی دیگر این که این اتفاق در گرگان فارغ از دوره‌ی تاریخی شکل گرفته است. قوس جناغی، فرم پرتکرار دیگری است که البته تنها در نما می‌توان آن را مشاهده کرد و اثری از آن در پلان خانه‌ها به چشم نمی‌خورد

از دو طرف به حیاط راه دارند و در هر طرف سه در، واسطه‌ای ارتباط میان آنها و فضای سرپوشیده یا باز است. در بررسی سیر تحول اتاق‌ها در خانه‌های قاجاری، مورد آشکار و برجسته‌ای از تحول در معماری این نوع فضا مشاهده نگشت و تنها مورد قابل ذکر درباره‌ی اتاق‌ها، وجود اتاق چهاردری در این بناها است که در خانه‌های قاجاری شهرهای دیگر نادر است.

بازنشوها: میل به افزایش ابعاد و اندازه‌های بازشوها در خانه‌های قاجاری گرگان به ویژه در دوره‌ی دوم به بعد مشهود است. این اتفاق می‌تواند حاکی از میل معماران خانه‌های قاجاری به برقراری هرچه بیشتر ارتباط میان بیرون و درون و در نتیجه کشاندن نور طبیعی بیشتر به داخل بنا باشد. استفاده از ارسی‌های بزرگ در خانه‌ی کبیر که مربوط به اواخر عهد قاجار است نشانه‌ای از همین ادعاست.



شکل ۶ ارسی چهاربخشی در خانه‌ی کبیر^۱

نتیجه گیری

نگاهی به بررسی‌های به عمل آمده در حوزه‌ی تحولات کالبدی موارد زیر را برای ما آشکار می‌سازد:

- در زمینه‌ی فن ساختمان تقریباً هیچ نوع تحول برجسته‌ای در طول دوران قاجار مشاهده نمی‌گردد. شاید تنها موارد قابل اشاره، افزایش تمایل به کاربرد و نمایش آشکار آجر و نیز حضور مختصر چوب روسی در بخش‌هایی از این خانه‌ها است. بر خلاف خانه‌های قاجاری شهرهای دیگر نظیر تهران، تبریز و اصفهان که رواج یافتن سازه‌های خرابایی و تیرپوش به جای سازه‌های گنبدی تحت تاثیر روش‌های رایج در اروپا، تحولی برجسته در آن شهرها به حساب آید، به دلیل رواج همین دو

در بناهای گرگان که به واسطه‌ی سازه‌های خرابایی و تیرپوش، نیازی به استفاده از این نوع قوس در آنها نبوده، باز هم حضور این قوس در نماها بدون این که نقشی سازه‌ای داشته باشند مشاهده می‌گردد. همچنین شکل دایره و نیم‌دایره در این معماری حضور دارند. دایره در پلان این خانه‌ها، تنها در شکل باغچه‌هایی کوچک مانند خانه‌ی باقری دیده می‌شود، اما در نمای خانه‌ها غالباً به صورت قوس نیم‌دایره به چشم می‌خورد. اشکال منتظم دیگری مانند هشت ضلعی، در این معماری حضور دارند و در موضعی مانند حوض، باغچه و همچنین به تعداد بسیار زیاد در عناصر تزئینی مشاهده می‌شوند. شکل بیضی نیز به صورت بسیار نادر و تنها در یکی از حوض‌های خانه‌ی باقری استفاده شده است.

سایر موضوعات

بجز موارد ذکر شده که عمدتاً کلی و کلان هستند، مواردی خردتر در معماری خانه‌های قاجاری گرگان و عناصر وابسته به آن قابل مشاهده و بیان است.

پله: نگاهی به نمونه‌های انتخابی، نشانگر عدم وجود تحولی خاص در جایگاه و ابعاد و طرح پله و پلکان در این خانه‌ها است. در این خانه‌ها مانند شیوه‌ی سنتی ساخت خانه تا پیش از عهد قاجار، پله به عنوان فضایی با خاصیت کاملاً عملکردی و غالباً دور از دید، در کنج‌ها یا موقعیت‌های کم اهمیت از بنا استقرار یافته است و به واسطه‌ی ارتفاع زیاد هر پله، مجموع پله‌ها فضایی بسیار محدود را در سطح اشغال می‌کند. اگرچه همزمان با همین بناها در معماری برخی از خانه‌های قاجاری در شهرهای دیگر نظیر تهران و تبریز، تحول و دگرگونی برجسته‌ای در این عنصر معماری رخ داد و پلکان جایگاهی بسیار متفاوت از پیش یافت، اما در گرگان هیچ نشانی از تحول در این عنصر مشاهده نمی‌گردد.

اتاق: پر تکرارترین نوع فضای بسته در خانه‌ها، فضای اتاق است که در الگوی سنتی هم به لحاظ ابعاد و هم به لحاظ کیفیت معماری دارای انواع مختلفی است. سه‌دری، پنج‌دری، هفت‌دری، تالار، سفره‌خانه، گوشواره، شاه‌نشین و طنبی، انواع مختلفی از اتاق به حساب می‌آیند. این فضاها که عموماً نامی برگرفته از ویژگی‌های معماری خود دارند (مانند سه‌دری)، به لحاظ عملکردی، کارکردهای مختلفی از فعالیت‌های زندگی را در خود جای می‌دهند و براساس موقعیت زمانی یا فصلی، ممکن است این کارکردها دگرگون شود. در میان انواع اتاق در خانه‌های قاجاری گرگان، پرتعدادترین سه‌دری است، اتاقی که توسط سه در به ایوان یا فضای حیاط را پیدا می‌کند و البته عموماً این اتاق‌ها

دیدگاه کهن، بخش بزرگ‌تری از جریان زندگی خارج از خانه شکل می‌گرفت و فعالیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به یک «شهروند»^{۱۲}، نیازمند ارتباط بیشتری از درون خانه با دنیای بیرون بود. در سبک زندگی جدید، دنیای بیرون از خانه به لحاظ اجتماعی واجد جذابیت‌هایی می‌گردد و دیگر مانند سبک سنتی زندگی نیاز به تفکیک جدی آن از دنیای درون خانه نیست. البته باید دانست که تا قبل از دوران قاجار و در همان سبک سنتی نیز، وجود جذابیت‌های طبیعی در دنیای بیرون و همچنین شرایط اقلیمی شهر، باعث ایجاد نوعی برونگرایی در کالبد خانه‌ها شده، اما شرایط جدید مایه‌ی تشدید این میل به برونگرایی در کالبد خانه‌ها شد.

– نکته‌ای که نباید از نظر پنهان داشت، وجود تنوع بسیار در میان خانه‌های گرگان حتی در یک دوره از ادوار قاجار است. شکل گرفتن نوعی معماری نیمه شهری-نیمه روستایی در این خانه‌ها با ترکیبات فضاهای باز و بسته‌ی آزاد و بدون درگیر شدن جدی با زیرساخت‌های نظم بخشی مانند هندسه و تناسبات، از علل وجود چنین تنوعی است. جدول ۳، نگاهی کلی به تحولات کالبدی در این خانه‌ها را نمایش می‌دهد.



شکل ۷. آرایش غیرمقارن و آزاد باغچه‌ها و حوض در خانه‌ی تقوی

پی‌نوشت‌ها

۱. از ۱۲۱۰ تا ۱۳۴۴ هجری قمری
۲. برای مثال می‌توان به سینما، نمایش‌خانه، بانک و هتل اشاره کرد که از دوران حکومت ناصرالدین شاه ساختن آنها در پایتخت و شهرهای بزرگ آغاز گردید.

3. Groat, Linda N.

روش حتی پیش از قاجار در گرگان و ادامه‌ی آن در این دوران، تحولی در روش‌های ساخت در عهد قاجار قابل مشاهده نیست و شاید این نشان دهنده‌ی عدم نیاز یا عدم تمایل معماران گرگانی به تجربه‌های جدید ساختمانی باشد.

– در ارتباط بنا با طبیعت، به راستی تحولی قابل اشاره به چشم نمی‌خورد. گویی طبیعت و تعاریف آن در تمام این دوران بدون تغییر و تحول خاصی در چشم پدیدآورندگان این خانه‌ها حضور داشته است و تغییری در نقش و جایگاه این عنصر مهم در معماری نداده‌اند.

– درباب هندسه تنها مورد قابل اشاره گرایش بسیار خفیف به هندسی کردن فضاهای بسته در خانه‌های انتهایی عهد قاجار است. نکته‌ی قابل توجه این است که در شهرهای دیگر به ویژه در فلات مرکزی ایران، عموماً نقش هندسه در طول دوران قاجار کم رنگ‌تر شده و در گرگان خلاف آن رخ داده است که می‌توان آن را حاصل ساده کردن پلان‌ها و اشکال موجود در خانه‌ها و حرکت از ترکیبات فضایی نسبتاً آزاد به سوی ترکیبات منظم دانست.

– اگرچه تزئینات حضوری بسیار کم رنگ در خانه‌های قاجاری گرگان دارند، اما حذف تدریجی تزئینات مختصر خطاطی و نقاشی در خانه‌ها، شاید به نوعی محصول کاربردی‌تر شدن اندیشه‌ی معماران و خروج آنها از دنیای نمادها و نشانه‌ها به سمت واقع‌گرایی باشد.

– برجسته‌ترین تحولات کالبدی در این خانه‌ها عبارتند از میل به افزایش درجه‌ی برونگرایی و به تبع آن سبک‌تر شدن میزان حریم‌های موجود در فضا، افزایش تعداد و اندازه‌ی بازشوها و نیز بیشتر شدن ارتباط بیرون و درون بنا است. این تحولات کالبدی که لازم و ملزوم یکدیگرند، بیش از آن که محصول خلاقیت معماران و سازندگان بناها باشد، برخاسته از نوگرایی و وقوع گشایش‌ها و تحولات موجود در جامعه‌ی قاجاری است که از آن جمله می‌توان به میل به ارتباط بیشتر خانواده با جامعه و افزایش نقش و حضور افراد در فعالیت‌های اجتماعی اشاره کرد. در روزگار قاجار، آشنایی مردم با اندیشه‌های نو، به مرور بر نوع نگرش آنان بر جهان‌بینی و به تبع آن بر احکامی که جهان‌بینی در زندگی ساری و جاری می‌کند تاثیر گذارد و مایه‌ی ایجاد تغییراتی در آن شد. تغییر «سبک زندگی»^{۱۳} و خروج تدریجی از دنیای «سنت‌گرایی»^{۱۴}، محصول همین تحولات بود. در شهری مانند گرگان که مردمان آن به نوظللی شهره‌اند، در سبک زندگی تغییراتی رخ داده است که دقیقاً توانسته بر معماری خانه‌ها تاثیر گذارد و آنها را متحول سازد. در سطح کلان، آنها در خانه‌های جدید خود، نوعی دیگر از ارتباط با جهان بیرون را طلب می‌کردند که با الگوی ارتباط مردمان سنتی با جهان بیرون تفاوت بسیار داشت. در این دیدگاه نو نسبت به

جدول ۳. بررسی کلی تحولات کالبدی

موضوع	دوره‌ی تاریخی	تحول کالبدی	نشانه‌های موجود در معماری بنا
ویژگی‌های معماری	دوم و سوم	استفاده‌ی بیشتر از آجر کاربرد محدود چوب وارداتی	برجسته‌تر شدن نقش آجر در نمای خانه‌ها تغییر مختصر در پوشش کف فضاهای داخلی
	-	تحول محسوسی مشاهده نمی‌گردد	-
ویژگی‌های معماری	دوم و سوم	میل به افزایش درجه‌ی برون‌گرایی	پدید آمدن الگوی کوشک در خانه‌ها افزایش کمیت بازشوها به سمت معابر ساخت بالکن‌های رو به معابر اطراف بنا
	سوم	کاسته شدن از اهمیت فضای باز در طرح خانه‌ها	رها شدن بخش‌های قابل توجهی از حیاط بدون داشتن طرح مشخص
	دوم و سوم	سبک‌تر شدن میزان حریم‌های موجود در فضا	ساده شدن ورودی‌ها و فرآیند ورود به بنا افزایش کمیت بازشوها به سمت معابر ساخت بالکن‌های رو به معابر اطراف بنا
	-	تحول محسوسی مشاهده نمی‌گردد	-
	سوم	افزایش اندک میل به هندسه	ساده و منظم شدن فضاهای بسته
	سوم	کاهش نقش تزئینات در شکل دهی به فضا	حذف تدریجی تزئینات خطاطی و نقاشی
	-	تحول محسوسی مشاهده نمی‌گردد	-
	-	تحول محسوسی مشاهده نمی‌گردد	-
	دوم و سوم	افزایش میل به سبک‌سازی فضا و حضور نور افزایش میل به ارتباط بین بیرون و درون	افزایش کمیت بازشوها به سمت معابر بزرگتر شدن بازشوهای داخلی
	دوم و سوم	افزایش کمیت بازشوها به سمت معابر	بزرگتر شدن بازشوهای داخلی

11. Traditionalism

12. Citizen

فهرست مراجع

۱. ستوده، منوچهر. (۱۳۷۷). *از آستارا تا آستارباد* (جلد پنجم). تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۲. قائمی، رضاعلی. (۱۳۸۷). گرگان. تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳. قاسمی سیجانی، مریم؛ و معاریان، غلامحسین. (۱۳۸۹). *گونه شناسی خانه دوره قاجار در اصفهان*. هویت شهر. ۷. ۸۸-۹۴.
۴. قلیچ‌خانی، بهنام. (۱۳۹۱). *رویکردی تحلیلی به سیر تحول خانه‌ی ایرانی در عهد قاجار*. پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران.
۵. گروت، لیندا؛ و دیوید وانگ. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در معماری*. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

4. Wang, David

۵. با جستجوی ساده در پایان‌نامه‌های دکتری و کتاب‌های منتشر شده درباره‌ی معماری ایران درمی‌یابیم که تعداد اندکی از آنها به مستقیماً به پژوهش پیرامون معماری خانه پرداخته‌اند.

۶. بزرگ‌ترین و شناخته شده‌ترین این خانه‌ها خانه‌ی باقری است و یک پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرمت و یک پروژه‌ی دانشجویی مربوط به دوره‌ی کاردانی معماری، تنها منابع دانشگاهی موجود درباره‌ی این خانه‌ی قاجاری هستند. هم‌چنین گزارشی درباره‌ی آسیب‌شناسی این مجموعه توسط کارشناسان اداره میراث فرهنگی استان گلستان در سال ۱۳۸۲ تهیه شده که در آن اشاره‌ای به سیر تدوین بنا نگردیده است.

۷. مطالعات شرکت «معماری و مرمت کهن دژ» در طرح مرمت خانه‌ی باقری گرگان.

8. Transparency

۹. ماخذ: آرشیو مدیریت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان

10. Life Style

8. Qelichkhani, B. (2012). Historical Evolution of Qajar House of Baqeri in Gorgan. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 2(2), 15-24.

۶. معطوفی، اسدالله. (۱۳۷۴). *استرآباد و گرگان در بستر تاریخ ایران*. مشهد: انتشارات درخشش.

۷. نوایی، کامبیز؛ و حاجی قاسمی، کامبیز. (۱۳۹۰). *خشت و خیال: شرح معماری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سروش.

Archive of SID